



برخورد پیامبر ﷺ با منتقدان، مخالفان، معاندان، منافقان و اهل بغی

## پیامبر و مدیریت مخالفان

مصطفی بیگ محمدی

تهدیدهای دشمنان مختل خواهد شد. متأسفانه نسبت به راهبرد سخت، که آخرین چاره و درمان اجتماعی در اسلام، برای جلوگیری از فساد و هلاکت جامعه است، نگاه بدبینانه وجود دارد. خداوند در قرآن کریم از این نگاه چنین یاد می‌کند: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»؛ «بر شما کارزار واجب شده است، در حالی که برای شما ناگوار است، و بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است، و بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است، و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید».

نبایستی فراموش کرد که خداوند مهربان بر اساس حکمت و برای تعالی بشریت، به پیامبران و اوصیای ایشان که منعکس کننده رحمانیت و رحیمیت پروردگار هستند، امر به جنگ و قتال می‌کند.

### فلسفه جنگ و قتال با کفار در نگاه علامه طباطبائی رحمته

چرا جنگیدن و قتال بر مؤمنین کره و گران بوده؟ دو صورت می‌تواند داشته

بر اساس رفتار و کنش‌های هر فرد می‌توان ارزش‌ها و اهداف او را شناخت. پیامبران الهی، برترین انسان‌های دوران خود بوده‌اند که رفتارهای سنجیده و سودآوری برای انسان‌ها داشته‌اند. پیامبر گرامی اسلام ﷺ جایگاه ویژه‌ای در میان پیامبران دارد و شناخت ایشان برای هر انسان مسلمان و غیرمسلمان بزرگانندیش که خواستار رشد و تعالی باشد، ضرورت دارد. بهترین روش، شناخت رفتاری ایشان است. پیامبر اسلام ﷺ در هر برهه تاریخی، با توجه به نیاز جامعه، راهبردی را با هدف رساندن انسان‌ها به سعادت تبیین و اجرا می‌کردند. بی‌گمان، سعادت انسان در گرو دین‌داری است. یکی از مواردی که باید در رفتارشناسی پیامبر گرامی اسلام ﷺ به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد، چگونگی رفتار ایشان با دشمنان خداوند است. پیامبر اعظم ﷺ با دشمنان دین، برخوردی درجه‌بندی شده داشت و انعکاس رفتارشان بر اساس شدت عمل آن‌ها می‌بود؛ بدین گونه که به مقدار دشمنی و شقاوت طرف یا افراد مقابل که به ضرر اسلام و مسلمین بوده، برخورد را نرم یا سخت و سخت‌تر می‌کردند. برخورد سخت و قتال در اسلام، سیاست همیشگی و کلی نیست بلکه راهبردی برای به سعادت رساندن جامعه است، به گونه‌ای که اگر این راهبرد نهایی نباشد، سعادت جامعه بر اساس نیرنگ‌ها و



باشد. وجه اول: از این جهت که در جنگ جان‌ها در خطر قرار می‌گیرد. حداقل خستگی و کوفتگی دارد و ضررهای مالی به بار می‌آورد، و امنیت و ارزانی ارزاق و آسایش را سلب می‌کند. از این قبیل ناراحتی‌ها که مورد کراهت انسان در زندگی اجتماعی است به دنبال دارد. آری! این‌گونه ناملایمات طبعاً بر مؤمنین هم شاق است.

وجه دوم: مؤمنین به تربیت قرآن بار آمده‌اند، و عرق شفقت و رحمت بر تمامی مخلوقات در آنان شدیدتر از دیگران است. تربیت‌شدگان قرآن حتی از آزار یک مورچه هم پرهیز دارند. نسبت به همه خلایق رأفت و مهربانی دارند، چنین کسانی البته از جنگ و خونریزی کراهت دارند. هر چند دشمنانشان کافران باشند، بلکه مومنان دوست دارند با دشمنان هم به مدارا رفتار کنند، و آمیزشی دوستانه داشته باشند. خلاصه با عمل نیک و از راه احسان آنان را به سوی خدا دعوت نموده، و به راه رشد و در تحت لوای ایمان بکشانند. که جان برادران مؤمنشان به خطر نیفتد و هم کفار با حالت کفر هلاک نشوند و در نتیجه برای ابد بدبخت نگردند.

چون مؤمنین این‌گونه فکر می‌کردند، خدای سبحان در آیه مورد بحث به ایشان فهمانید که اشتباه می‌کنند. خدایی که قانونگذار حکم قتال است، خوب می‌داند که دعوت به زبان و عمل در کفاری که دچار شقاوت و خسران شده‌اند هیچ اثری ندارد، و از بیش‌تر آنان هیچ سودی عاید دین نمی‌شود. کفار نه به درد دنیای کسی می‌خورند، نه

به درد آخرت. پس این‌گونه افراد در جامعه بشریت عضو فاسدی هستند که فسادشان به سایر اعضا هم سرایت می‌کند و هیچ علاجی به جز قطع کردن، و دور افکندن ندارند.

این دو وجه هر چند هر دو می‌توانند جمله «وَهُوَ كَرِهٌ لَّكُمْ» را توجیه کنند، و لیکن وجه اول به نظر با آیات عتاب مناسب‌تر است، علاوه بر این که تعبیر در جمله «كَتَبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالَ» هم به بیانی که گذشت که چرا به سیغه مجهول آمده، مؤید وجه اول است.

برخورد قهرآمیز پیامبر ﷺ با شمشیر نسبت به دشمنان انواع مختلفی داشته است. شیوه برخورد و رفتار سخت پیامبر اسلام ﷺ منشأ و سنتی برای تصمیم درباره چگونگی برخورد با دشمنان در دولت علوی علیه‌السلام و مهدوی ﷺ بود و خواهد بود. در حدیثی معروف امام صادق ﷺ برخورد پیامبر ﷺ را با مُعاندین اسلام به پنج روش تقسیم کرده‌اند.

### مبعوث شدن پیامبر ﷺ با پنج شمشیر

حفص بن غیاث نقل می‌کند که شخصی از امام صادق ﷺ درباره جنگ‌های امیرالمؤمنین ﷺ پرسید و سائل از دوستان (شیعیان) ما بود. امام ﷺ به او فرمودند: خداوند، محمد ﷺ را (در برابر دشمنان) با پنج شمشیر مبعوث کرد. سه شمشیر از آن‌ها عربان است و غلاف نمی‌شود تا وقتی که جنگ تمام شود و جنگ تمام نمی‌شود مگر این که آفتاب از مغرب طلوع کند و آفتاب از مغرب طلوع نمی‌کند مگر این که همه مردم در آن روز ایمان می‌آورند (احتمالاً اشاره به عصر ظهور دارد)، ولی در آن روز ایمان کسی که پیش از آن ایمان نیآورده بود و یا در ایمان خود خیری کسب نکرده بود، به حالش سودی ندهد. (دو شمشیر دیگر) شمشیری از آن شمشیرهای پنج‌گانه

در غلاف است و شمشیر دیگر در غلاف است و کشیدن آن با دیگران و حکم آن با ماست.

### شمشیرهای سه‌گانه عربیان:

۱. شمشیر بر مشرکان عرب  
خداوند می‌فرماید: «فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَ خُوهُمْ وَ اخْصِرُوهُمْ وَ اَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِن تَابُوا وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ»؛ مشرکان را هر کجا یافتید بکشید و آن‌ها را بگیرید و محاصره کنید و در هر کمین‌گاهی برای آنان بنشینید، اگر توبه کردند و نماز خواندند و زکات دادند، آن‌ها هم برادران دینی شما خواهند بود. درباره این‌ها جز شمشیر و کشتن و یا داخل شدنشان به اسلام پذیرفته نمی‌شود (و اگر کشته شوند) مال آن‌ها به غنیمت گرفته می‌شود و فرزندانشان اسیر می‌شوند به آن صورت که پیامبر خدا ﷺ اسیر گرفت و او اسیر گرفت و عفو کرد و از آن‌ها فدیة قبول نمود.

### ۲. شمشیر بر اهل ذمه

خداوند می‌فرماید: «فَاتْلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ لَا يَحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ لَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَ هُمْ صَاغِرُونَ»؛ با کسانی که به خدا و روز قیامت ایمان نیاورده‌اند و آن‌چه را که خدا و پیامبرش حرام کرده‌اند حرام نمی‌دانند و به دین حق نمی‌گرایند با آنان که به آن‌ها کتاب داده شده (اهل کتاب)، بچنگید تا وقتی که جزیه بدهند، در حالی که کوچک شده‌اند.

هر کس از اهل کتاب در کشور اسلامی باشد، از آن‌ها جز دادن جزیه و یا کشته شدن پذیرفته نمی‌شود. هر گاه آن‌ها جزیه‌دادن را قبول کنند، اسیر گرفتن آن‌ها حرام است و اموالشان حرمت دارد و می‌توانیم با آن‌ها ازدواج کنیم و هر کس از آن‌ها در کشوری باشد که در حال جنگ با مسلمانان است اسیر کردنشان و اموالشان بر ما حلال و نکاحشان حرام است و از آن‌ها جز کشته شدن و یا داخل شدن به اسلام پذیرفته نیست.

### ۳. شمشیر بر مشرکان عجم (یعنی ترک و دیلم و خزر)

خداوند در سوره محمد ﷺ می‌فرماید: «فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّى إِذَا أَثْخَتْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ فَإِمَّا مَأْتُ بِغَدٍ وَ إِمَّا فِدَاءٌ حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانتَصَرْتُمْ لَهُمْ وَ لَكِن لِّيَبْلُوًا بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ»؛ پس چون با کافران روبه‌رو شدید گردن‌هایشان را بزنید و چون با آن‌ها سخت گرفتید آن‌ها را در بند کشید و پس از آن یا از روی منت و یا گرفتن فدیة آزادشان کنید.

منظور فدیة گرفتن و فدیة دادن میان آن‌ها و اهل اسلام است و از اینان جز کشته شدن و یا داخل شدن به اسلام پذیرفته نیست و نکاحشان جایز

۲. توبه، ۵  
۳. توبه، ۲۹  
۴. محمد، ۴



نیست مادامی که در دارالحرب قرار دارند.

اما شمشیرهایی که در لافافه است:

۴. شمشیر بر اهل بغی و تأویل (یعنی خروج کنندگان بر امام عادل)

خداوند می‌فرماید: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبَغَىٰ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاتَةً فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»؛ و اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر بجنگند میان آن‌ها صلح برقرار کنید و اگر یکی بر دیگری ستم کرد با آن گروه ستم کرده بجنگید تا به فرمان خدا گردن نهد. وقتی این آیه نازل شد، پیامبر خدا ﷺ فرمودند: همانا در میان شما کسی وجود دارد که پس از من بر اساس تأویل خواهد جنگید همان گونه که من بر اساس تنزیل جنگیده‌ام. گفته شد: او کیست یا رسول الله؟ فرمود: پینه‌کننده کفش و منظورش امیرالمؤمنین (علیه السلام) بود (که در آن حال مشغول

پینه‌زدن کفش خود بود) عمار یاسر در جنگ صفین می‌گفت: سه بار زیر این پرچم همراه با پیامبر خدا ﷺ و خاندانش جنگیده‌ام و این به خدا سوگند که چهارمی است، به خدا سوگند که اگر ما را بزنند و ما را به نخلستان‌های سرزمین بحرین برسانند باز ما می‌دانیم که بر حقیق و آن‌ها بر باطلند. سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره آن‌ها مانند رفتار پیامبر در فتح مکه با مردم مکه بود که از آنان اسیر نگرفت و فرمود: هر کس در خانه‌اش را ببندد و سلاح خود را زمین بگذارد و یا وارد خانه ابو سفیان شود در امان است. همچنین امیرالمؤمنین (علیه السلام) در جنگ بصره (جنگ جمل) درباره آن‌ها فرمود: فرزندان‌شان را اسیر نکنید و زخمی‌هایشان را نکشید و کسی را که فرار کرد دنبال نکنید و هر کس در خانه‌اش را ببندد و سلاح بر زمین گذارد در امان است.

۵. شمشیری که در غلاف است

همان شمشیری است که با آن حکم قصاص اجرا می‌شود. خداوند می‌فرماید: «وَكُنْتُمْ عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْفُسًا بِالْأَنْفُسِ...»؛ «نفس در مقابل نفس» پس کشیدن آن حق اولیای مقتول و حکم آن بر ماست.

این بود شمشیرهایی که خداوند پیامبرش را با آن‌ها مبعوث کرد و هر کس آن‌ها و یا برخی از آن‌ها و یا شیوه به کارگیری آن و یا احکام آن را انکار کند، به آن چه خداوند بر محمد ﷺ نازل کرده کافر شده است.

پرسش اساسی این است که: اگر قتال و جنگ رخ ندهد و اسلام با دشمنان خود فقط با چهره رحمانی برخورد کند، چه پیش خواهد آمد؟ در قرآن کریم

به این پرسش پاسخ داده شده است. خداوند می‌فرماید: «وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ»؛ «... و اگر خدا بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع

نمی‌کرد، زمین تباه می‌شد، ولی خدا بر جهانیان فضل و کرم خویش را ارزانی می‌دارد.

**حکمت تشریح حکم قتال و جهاد در نگاه علامه طباطبایی**

آیه هر چند که در مقام تعلیل، نسبت به تشریح قتال و جهاد قرار دارد و حاصلش این است که تشریح قتال به منظور حفظ مجتمع دینی از شر دشمنان دین است که می‌خواهند نور خدا را خاموش کنند زیرا اگر جهاد نباشد همه معابد دینی و مشاعر الهی ویران گشته، عبادات و مناسک از میان می‌رود، لیکن در عین حال مراد از دفع خدا مردم را به دست یکدیگری، اعم از مساله جهاد است. چون دفاع مردم از منافع حیاتی خود و حفظ استقامت وضع زندگی، سنتی است فطری که (چه این آیه بفرماید و چه نفرماید) در میان مردم جریان دارد. هر چند که این سنت فطری هم منتهی به خدای تعالی می‌شود. اوست که آدمی را به چنین روشی هدایت کرده، چون می‌بینیم که انسان را

مانند سایر موجودات مجهز به جهاز و ادوات دفاع نموده، تا به آسانی بتواند دشمن مزاحم حقیقش را دفع دهد، و نیز او را مجهز به فکر کرده، تا با آن به فکر درست کردن وسایل دفع، و سلاح‌های دفاعی بیفتد، تا از خود و هر شأنی از شوون زندگی که مایه حیات و یا تکمیل حیات و تمامیت سعادت او است دفاع کند. دفاع و قتال آخرین وسیله بقا است. انسان‌ها وقتی به آن متوسل می‌شوند که راه‌های دیگر به نتیجه نرسد؛ مانند آخرین دوا که همان داغ کردن زخم است. وقتی به سوزاندن و بستن زخم متوسل می‌شوند که دواهای دیگر نتیجه ندهد. چون در جنگ و قتال با دشمنان بشریت نیز اقدام به سوزاندن و بستن بعضی از اجزای یا افراد اجتماع می‌شود که بین برونه، تا بقیه نجات یابند. این سنتی است که در جوامع بشری جریان دارد و به انسان‌ها اختصاص نداشته است. هر موجودی که به نحوی شخصیت و استقلال دارد این سنت را دارد که احیانا مشقت موقتی را برای راحتی دائمی تحمل کند، می‌توان گفت که در آیه شریفه به این نکته اشاره شده است که قتال در اسلام از فروع همان سنتی است فطری، که در بشر جاری است. چیزی که هست وقتی همین قتال و دفاع را به خدا نسبت دهیم آن وقت «دَفَعُ اللَّهُ» می‌شود و می‌گوییم: خداوند به خاطر حفظ دینش از خطر انقراض بعضی از مردم را به دست بعضی دفع می‌کند. اگر تنها معابد را نام برده با این که اگر این دفاع نباشد اصل دین باقی نمی‌ماند تا چه رسد به معابد آن؛ بدین جهت است که معابد مظاهر دین و شعائر و نشانه‌های دین است که مردم به وسیله آن به یاد دین می‌افتند، و در آن‌ها نشسته احکام دین را می‌آموزند و صورت دین را در اذهان مردم حفظ می‌کنند. از این آیه شریفه استفاده می‌شود که در شرایع سابق نیز حکم دفاعی فی الجمله بوده هر چند که کیفیت آن را بیان نکرده است.

موقتی را برای راحتی دائمی تحمل کند، می‌توان گفت که در آیه شریفه به این نکته اشاره شده است که قتال در اسلام از فروع همان سنتی است فطری، که در بشر جاری است. چیزی که هست وقتی همین قتال و دفاع را به خدا نسبت دهیم آن وقت «دَفَعُ اللَّهُ» می‌شود و می‌گوییم: خداوند به خاطر حفظ دینش از خطر انقراض بعضی از مردم را به دست بعضی دفع می‌کند. اگر تنها معابد را نام برده با این که اگر این دفاع نباشد اصل دین باقی نمی‌ماند تا چه رسد به معابد آن؛ بدین جهت است که معابد مظاهر دین و شعائر و نشانه‌های دین است که مردم به وسیله آن به یاد دین می‌افتند، و در آن‌ها نشسته احکام دین را می‌آموزند و صورت دین را در اذهان مردم حفظ می‌کنند. از این آیه شریفه استفاده می‌شود که در شرایع سابق نیز حکم دفاعی فی الجمله بوده هر چند که کیفیت آن را بیان نکرده است.